

گفت‌و‌گوی شرق با سیامک انصاری، بازیگر مجموعه «قهوه تلخ»

ترجیح دادم عکس‌العمل باشم

—حالا دیگر بعد از این سال‌ها یعنی از دهه ۷۰ به بعد که کارهای طنز مه‌ران مدبری جای خودش را در بین مخاطب باز کرد و با کامل‌تر شدن و تغییر شکل‌های مختلف به کار تر مهمی در عرصه طنز تلویزیونی تبدیل شد، آیا خودتان را به عنوان یکی از عوامل اصلی این جریان می‌دانید؟

شما چرا ماجرای طنز و کمدی را جریان‌بندی می‌کنید؟ جریانی وجود ندارد. یک کار خیلی عادی و معمولی است که دارد انجام می‌شود و مردم هم می‌بینند و ارتباط برقرار می‌کنند. —چیزی که من می‌گویم جریان‌بندی به آن مفهومی‌ست که در ذهن شماست یعنی جریان‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی نیست. منظور اتفاقی است که خودش را از کارهای قبیل و حتی هم دوره خودش جدا می‌کند و به مهم‌ترین جریان در عرصه خودش بدل می‌شود.

این فقط به خاطر این است که مردم با کار ارتباط برقرار می‌کنند. —به چه دلیل؟ شما به عنوان یکی از بازیگران مهم این گروه چه دلایلی برای این مساله قائل هستید؟

دلایل مختلفی دارد؛ از خود شخصیت مه‌ران مدبری گرفته تا متن‌هایی که نوشته می‌شود و نوع کاری که دارد انجام می‌شود. در این کارها شما دارید می‌بینید که تهیه‌کننده، کارگردان و بازیگران همه برای مردم ارزش قائل شده‌اند. —بیایید از ارائه مفاهیم کلی مثل ارزش قائل شدن برای مخاطب بیرون بیاایم. مولفه‌هایی که این ارزش را می‌سازند چه چیزهایی هستند؟

مثلاً در این کار فکر می‌کنم خیلی رنگ وجود دارد. خودم برای اولین بار است که این همه رنگ در کاری می‌بینم. یا کار کردن در یک فضای تاریخی به شیوه کمدی از مولفه‌هایی است که کمتر در کارها دیده‌ام. این نگاه به تاریخ اگر چه به شیوه طنز صورت می‌گیرد اما ما را به گذشته‌مان پیوند می‌دهد. همین که یکسری از افراد ترجیح می‌شوند که بروند و تاریخ را حتی در حد یکی دو خط بخوانند و پیگیری کنند به نظر اتفاق خوبی است.

—البته نقدهای مختلفی هم به این نگاه تاریخی وجود داشته است که به نظر می‌آید خیلی از تاریخدان‌ها این نگاه را جدی گرفته‌اند.

من فقط نقد خسرو معتضد را خوانده‌ام، اما ما نمی‌توانیم بنشینیم و کار نکنیم چون امثال آقای معتضد ممکن است چیزی بگویند. ما کار می‌کنیم که آنها اظهارنظر کنند و بعد بر اساس اظهارنظر آنها کار را روتوش کنیم. این از نظر من بهتر است.

—فکر می‌کنید چه عاملی باعث می‌شود این نقدهای جدی به یک کار طنز صورت بگیرد؟ ببینید هر کاری که همه یکدفعه روی آن زوم کنند و با این حجم دیده شود، این حساسیت‌ها را هم به وجود می‌آورد و این طبیعی است. مثلاً اگر قهوه تلخ در تیراز ۲۰۰ یا ۱۰۰۰ عدد پخش می‌شد، فکر می‌کنید این همه بحث در حاشیه آن صورت می‌گرفت؟

—البته قبول دارید که بخشی از این دیده شدن و فروش به خاطر جریانی بود که در زمان پخش به وجود آمد یعنی به نوعی رفتار مخاطب نسبت به تلویزیون بود.

من این را قبول ندارم.

—شما در این سال‌ها کمتر در دیگر کارهای طنز بازی کرده‌اید و به یکی از بازیگران ثابت کارهای مدیری بدل شده‌اید. آیا این یک توافق نانوشته بین شما و آقای مدیری بوده است؟

بگذارید یک چیزی به شما بگویم. مدل کارهایی که من و مه‌ران مدبری با هم انجام داده‌ایم یک زمانی نزدیک به یک سال از ما می‌گرفت و بلافاصله بعد از استراحت سه تا چهارماهه، کار بعدی را شروع می‌کردیم. من چطور می‌فهمم می‌کردم کار طنز دیگری انجام بدهم؟ نکته دیگر اینکه شما به من گروه دیگری را نشان بدهید که بهتر از این گروه باشد من می‌روم یا آنها کار می‌کنم.

—شما در سینما هم برخلاف دیگر بازیگران طنز، وارد جریان کمدی‌های نازل نشده‌ید. به نظر می‌رسد جز مساله کمبود زمان، این یک انتخاب آگاهانه بوده است.

انتخاب شخصی من در سینما «دعوت» حاتمی کیا یا «بی‌پولی» حمید نعمت‌الله است که البته من هنوز این فیلم‌ها را ندیده‌ام. من اینجا، در این زاویه که هستم پیشرفت بیشتری دارم و فکر می‌کنم هر آدمی که قصد پیشرفت خودش است. شاید نگاه اطرافیان به من این است که دارم پیشرفت می‌کنم، چون من خودم را از سال ۸۱ می‌بینم که کارم را با مدبری شروع

سال پنجم ■ شماره ۱۱۴۰ ■ سه‌شنبه ۳۰ آذر ۱۳۸۹ ■ **تلویزیون ۹۹**

■ سیامک انصاری قرار نیست درباره آنچه موجب خنده می‌شود و ادراک ناگهانی تناقض موجود میان وضع چیزها چنان‌که هست و چنان‌که باید باشد یا در باب نظریه‌های مربوط به طنز و هجو و هزل از زمان ارسطو تا به امروز حرف بزنیم. یار غار و رفیق شفیق مه‌ران مدبری، حتی معتقد به سخن گفتن درباره قواعد و قوانین خودساخته خود نیست. چرا که معتقد است؛ نگاه او به بازیگری را باید در بازی او جست و جو کرد. اصلاً گفت‌وگو با انصاری از متقاعد کردنش به گفت‌وگو سخت‌تر است. خیلی خوش ندارد درباره علایقش حرف بزند و در گفت‌وگو نیز درست شبیه نقش‌هایش عمل می‌کند. واکنشگری که نه تنها در موقعیت کنش قرار نمی‌گیرد، بلکه در همان موقعیت نیز از خودنمایی و بزن و بکوب دوری می‌کند. اما در نهایت نسبت به آنچه گفته‌ایم و به متن در آمده، با حسن نیتی بر خورد می‌کند که این روزها کمیاب است.

—می‌ب‌رم از اینکه ما کنار هم و با هم می‌توانیم تکمیل‌کننده باشیم. این را که به ما مثل یک زوج کمدی نگاه می‌شود دوست دارم. —فکر نمی‌کنید تکرار این شیوه و جنس بازی بعد از چندین کار، کم‌کم دارد برای مخاطب خسته‌کننده می‌شود؟ مگر این اتفاق پیش آمده است؟ من شباهتی بین کارهایی که انجام داده‌ام احساس نمی‌کنم. —می‌خواهم بگویم این جنس بازی در تمام کارها دارد تکرار می‌شود. بله من قول می‌دهم دیگر تکرار نشود. —اما من می‌خواهم نظرتان را بدانم. اگر موافق نیستید، دلایل‌تان را بگویید. شاید این چیزی که می‌گویید درست باشد، اما سعی من هم این بوده که کارهایم به تکرار نیفتد. هنوز هم فکر نمی‌کنم به تکرار افتاده باشم. فکر می‌کنم تا پایان قهوه تلخ فرصت دارم، اما برای کار بعدی باید یک فکر دیگری بکنم. —اگر الان مه‌ران مدبری کاری را شروع کند که به نظر‌تان کار خوبی نباشد ممکن است در آن بازی کنید؟ صد درصد.

—یعنی به عنوان یک هنرمند نگاه مستق‌لی خب من می‌دانم که این اتفاق نمی‌افتد چون مه‌ران مدبری این گونه نیست که خودش یک فکری داشته باشد و بیاید بگوید این درست است. مدبری مشهورت‌پذیرترین آدمی است که من در زندگی‌ام دید‌ام. —این مشورت در قهوه تلخ هم صورت گرفته است؟ بله اینجا هم هست. —اما قبول دارید که این کار نسبت به کارهای قبلی مدیری کار ضعیف‌تری است؟ نه این را قبول ندارم. این نظر شماست. —این نظر شخصی من نیست، نظر مخاطب است.

پس چرا از این کار تا این حد استقبال شد؟ —ببینید ما کلیت کار و تفاوت‌های قابل اعتنای آن با آثار دیگر را زیر سوال نمی‌بریم بلکه داریم آن را با دیگر کارهای مدیری مقایسه می‌کنیم. این قوی‌ترین کار ماست. همه‌ما همین اعتقاد را داریم. خیلی هم روی آن انرژی گذاشته‌ایم. از همه نظر همه پخته‌تر شده‌اند. —شاید بشود گفت از نظر متن خیلی قوی نیست. متن هم خوب است.

—فکر می‌کنم خیلی نگاه متعصبانه‌ای به کار دارید. نه. تازه ما تبلیغات آنچنانی روی این کار نکرده‌ایم. اگر این کار را گروه دیگری انجام داده بود مطمئن باشید این طوری برخورد نمی‌کردند. یعنی ما خیلی اهل حرف زدن و مصاحبه کردن و بزرگ کردن کار نیستیم چون احساس می‌کنیم مردم کار را دوست دارند و می‌بینند و احتیاجی به این کارها نیست. ما خودمان کار را خیلی ساده بر گزار کردیم. نخواستیم آنچنانی جلوه‌اش بدهیم. در این کار تهیه‌کننده سنگ تمام گذاشته است. مه‌ران مدبری تا قسمت بیستم که کارگردانی نمی‌کرد تمام هم و غمش را روی کارگردانی گذاشت. همه بازیگرها زحمت کشیدند. حتی ما سیستم را از قسمت سوم به بعد دیجیتالی کردیم. —چیزی از متن بر اساس بازخوردها تغییر نکرد؟ ببینید ما در کارهای قبلی که روی آنتن شبکه بود معمولاً سه چهار قسمت جلو بودیم و می‌توانستیم متن را عوض کنیم. الان دیگر نمی‌توانیم این کار را بکنیم. در کارهای قبلی بلافاصله می‌توانستیم نظرات را بگیریم و در چند قسمت بعدی مردم نظرشان را ببینند. الان کار خیلی تأخیر دارد.

—خب تئاتر چطور؟ شما نمایش خوانده‌اید اما کمتر در صحنه تئاتر حضور دارید. من تئاتر بازی می‌کنم، ما یک گروه داریم و با آن گروه کار می‌کنیم. کارگاه تئاتر ایران متشکل از سه گروه آقای آتیل پسیانی، کیومرث مرادی و رضا حداد است. من بازیگر گروه رضا حداد هستم. ما گروه تئاتر سایه را داریم و اصولاً مدلی که کار می‌کنیم بیشتر تئاتر تجربی است —خب فقط یک سوال دیگر دارم. اصرار شما در اینکه مصاحبه‌تان تیت‌ر یک روزنامه باشد برای چیست؟ من چنین چیزی نگفتم‌ام.

—از من پرسیدید برایتان مهم است مصاحبه کجا کار شود و روابط عمومی کار هم این شرط را برای ما گذاشت.

خب من نمی‌دانستم این مصاحبه قرار است کجا کار شود. اصلاً شما تا حالا چند مصاحبه از من دیده‌اید که من بخواهم در مورد این موضوع هم بحث کنم. من اصلاً این جوری نیستم.

—بله من هم به همین خاطر این سوال را پرسیدم چون فکر می‌کنم شما دیگر در بازیگری طنز به جایی رسیده‌اید که از این نگاه دور شده باشید.

من در زمانی هم که باید این کار را می‌کردم نکردم چون اعتقادی به این رفتار نداشتم.



■ **پیش‌شماره بی‌قاعده‌سازی** ■ **نورا حسینی** ■ **سامان سالور:**

مستندهای جسورانه از جنگل آسفالتی

زمان زیادی نگذشته است. سامان سالور وقتی فیلم بلند نمی‌ساخت، علاقه‌مندی‌اش ساخت مستندهای اجتماعی بود. هنوز هم این دغدغه با اوست. می‌توان این را از لایه‌لای تصوی‌رهای فیلم‌های بلندش فهمید؛ برنامه‌ای که جایش در میان برنامه‌های تلویزیونی ما خالی است و اگر ساخته شود سالور یکی از تماشاگران دائمی آن خواهد بود.

—اگر قرار بود پیشنهادی برای ساخت یک برنامه تلویزیونی بدهید که برای خودتان جذاب باشد، این برنامه چه شکل و محتوایی داشت؟

برنامه‌ای که در آن مستندهای اجتماعی به نمایش درآید؛ مستندهایی که به اتفاقات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روز بپردازند و این جسارت و قدرت را داشته باشند که نقدی بی‌دوربا‌یستی ارائه کنند.

این مستندها باید توسط فیلمسازان جسوری ساخته شود زیرا بسیاری از پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در این مستندها مطرح می‌شود، خوش‌شان نخواهد آمد. باید در گرفتن پاسخ نیز جسارت داشت. ظرفیت نقدپذیری‌مان را هم باید بالا ببریم زیرا نقدپذیر نبودن در خون ما شرقی‌هاست. وقتی تهیه‌کننده سینما در یک برنامه زنده می‌گوید نقد خوردنی است یا پوشیدنی، باید ظرفیت‌ها را فهمید.

جای خالی مستندهای اجتماعی در تلویزیون ما کاملاً احساس می‌شود. این شهر پر از سوزه‌های ناب است. باید سیاستگذاران حوزه‌های گوناگون سه صدرشان را بالا ببرند، تا مستندسازان به وظیفه‌شان که نقد اجتماعی است، عمل کنند.

البته این برنامه وقتی جذاب‌تر می‌شود که مجری خوبی نیز مانند عادل فردوسی‌پور داشته باشد؛ مجری‌ای که برنامه‌هایش عمیق است و رک و راست حرف‌ها را می‌زند. فردوسی‌پور جسورانه نقد می‌کند اما هوش زیادش سبب شده برنامه همچنان ادامه داشته باشد. این برنامه نیز نیازمند چنین روحیه و هوشی است.

—یعنی در کنار این مستندها جلسات کارشناسی نیز باشد؟

وقتی عبارت کارشناسی گفته می‌شود به خاطر آنچه در حال حاضر به عنوان بحث کارشناسی مسائل اجتماعی یا خانوادگی در تلویزیون می‌بینیم و بسیار نازل است. ناخودآگاه می‌گویم نه. کارشناسانی که در حال حاضر در تلویزیون سخن می‌گویند، از آبی آسمانی می‌گویند که دیگر وجود ندارد تا چگونگی محبت در خانواده که آن هم این روزها کم شده است. در کنار این مستندها باید جور دیگری حرف زد.

—یعنی همان‌طور که این مستندها جسورانه است بحث‌های کارشناسی هم باید شفاف‌تر از کارشناسی‌های دیگر باشد؟

دقیقاً، باید یک جاهایی بی‌پروایی کند تا به نقطه مطلوبی برسی‌م. هوشیاری و جسارت به این بحث‌ها کمک می‌کند و هیچ شباهتی به کارشناسانی که در برنامه‌های خانوادگی که میانه روز از شبکه‌های مختلف پخش می‌شود، نداشته باشد. در بحث ساخت مستند هم خوشبختانه ما هنرمندان مستندساز خوبی داریم که بتوانند چنین مستندهایی را بسازند. از اساتید نسل قدیم تا مستندسازان جوانی که آثار بسیار قابل توجهی در این حوزه ساخته‌اند.

—کدام موضوع در این مستندهای اجتماعی برای شما اولویت دارد؟

عضلات زیادی در شهر وجود دارد. اما آنچه بیشتر در این جنگل آسفالتی ما را به قهقرا می‌برد، عضلات جنسی است؛ مشکلی که ریشه بسیاری از عضلات است. —در حال حاضر برنامه‌ای هست که در تلویزیون به آن علاقه‌مند باشید؟ برنامه نود و پخش فوتبال‌های زنده را تماشا می‌کنم و اگر قرار باشد به جز نود برنامه‌ای را نگاه کنم ترجیح می‌دهم مستندهای حیات وحش از شبکه‌های معتبر باشد.

■ **دیوید بوردی** ■ **وقتی رقابت شبکه‌های آلمانی حادثه می‌آفریند**

مخاطب‌یابی مرگبار

با حادثه‌ای که در یک برنامه زنده تلویزیونی در شبکه ZDF برای یکی از شرکت‌کننده‌های آن اتفاق افتاد، این روزها بحث‌های زیادی در مورد شبکه‌های تلویزیونی و روش‌های جذب مخاطب در کشور آلمان شکل گرفته است. هفته گذشته یکی از شرکت‌کننده‌های برنامه معروف «می‌خواهی شرط بندی...؟» که زنده پخش می‌شود، زمانی که قصد داشت از روی خودروهایی که با سرعت در حرکت بودند بپرد مجروح شد. این نخستین حادثه‌ای است که در طول ۲۹ سال در این برنامه رخ داده است. در این برنامه شرکت‌کنندگان بر سر انجام عملیات سخت و دشوار شرط‌بندی می‌کنند و گروهی از میهمانان که معمولاً از چهره‌های معروف هستند پیش‌بینی می‌کنند که آیا موفق به انجام این کار می‌شوند یا نه؟ ساموئل کُخ در برنامه هفته گذشته داوطلب شد تا از روی پنج خودرو در چهار دقیقه بپرد. او با خودرو چهارم که پدرش ازنده آن بود تصادف کرد و به شدت مجروح شد. کُخ پس از این حادثه به بیمارستان دوسلدورف منتقل شد و پزشکان احتمال دادند وی بر اثر جراحات معلولیت پیدا کند. بسیاری از افراد کانال ZDF را در این حادثه مقصر می‌دانند. به اعتقاد آنها رقابت شبکه‌ها برای کسب تعداد بیشتر بیننده موجب شد تا چنین اتفاقی بیفتد و ZDF برای آنکه نسبت به شبکه RTL بتواند بیننده بیشتری داشته باشد این برنامه خطرناک را تولید کرده است. این برنامه در تاریخ ۴ دسامبر یعنی همان زمانی که در آن اتفاق افتاد، حدود ۸/۱۲ میلیون نفر بیننده داشت، در حالی که بیننده‌های برنامه «استعداد برتر» که هم‌زمان از شبکه RTL پخش می‌شد حدود ۸/۳۴ میلیون نفر بود. این اتفاق موجی از انتقادات را متوجه کانال‌های تلویزیونی کرد. بسیاری از جمله برخی اعضای پارلمان آلمان معتقد بودند این اقدام در نتیجه رقابتی است که بین شبکه‌ها به وجود آمده و آنها برای اینکه تعداد بیشتری بیننده داشته باشند این چنین انسان‌ها را به خطر می‌اندازند. حتی کورت بکشت سرپرست هیات حاکم شبکه ZDF نیز این امکان را مطرح کرد که به دلیل اینکه برنامه «می‌خواهی شرط بندی» برنامه پربیننده‌ای است این امکان وجود دارد که تاثیر آن در مورد بروز این حادثه بررسی شود. با این وجود جو گروه کارشناس مسائل رسانه‌ای و سرپرست انستیتوی دویچه دیجیتالی می‌گوید: «در این حادثه نمی‌توان تلویزیون را مقصر دانست. جامعه انتظار دارد نمایش‌های هیجان‌انگیز ببیند و این در حالی است که بیشتر نمایش‌ها و شرط‌بندی‌ها در این برنامه تنها عجیب، جالب و متفاوت هستند و این حادثه را نمی‌توان به رقابت شبکه‌ها نسبت داد.» توماس گوئشاک مجری برنامه نیز که از سال ۱۹۸۱ تاکنون از مجموع ۱۹۲ برنامه ۱۴۴ برنامه را اجرا کرده است این ادعا را که رقابت شبکه‌ها در بروز این حادثه تاثیر نداشته است، رد کرده و می‌گوید: «ما از این نوع عملیات خطرناک پیش از این زیاد انجام داده بودیم. این بخشی از برنامه است.»

برنامه زنده هفته گذشته پس از این حادثه متوقف شد. تاکنون چهره‌های سرشناس زیادی از جمله تام کروز، برد پیت، دیوید بک‌هام، هیو گرات، مایکل داگلاس، بیل گیش، رابین ویلیامز، فیل کالینز و کامرون دیاز در این برنامه شرکت داشته‌اند. این اتفاق تبعاتی را نیز برای برنامه‌سازان داشته است. جاستین بوبر خواننده‌ای که قرار بود میهمان برنامه باشد اعلام کرد در برنامه شرکت نخواهد کرد و از همه خواست برای کُخ دعا کنند. با وجود شایعاتی که در مورد توقف پخش این برنامه منتشر شد توماس پالت کارگردان این برنامه اعلام کرد پخش آن ادامه پیدا خواهد کرد. ضمن این‌که قرار است اقدامات موثر امنیتی برای پیشگیری از بروز چنین حوادثی شدیدتر شود. وی همچنین گفت: «فشار رقابت با شبکه‌های دیگر موجب نمی‌شود تا ما بخواهیم به هر قیمتی موفق شویم. داشتن یک یا دو میلیون بیننده بیشتر عامل مهم و تاثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های ما نیست.»